Your English Toolbox

VOCABULARY · EPISODE 210

Short Stories with Peter: The Last Train Home

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

8 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

platform

سکو

DEF

The raised area where passengers wait for a train.

At a railway station, a platform is the place beside the tracks.

FA

محل بالاآمده‌ای که مسافران منتظر قطار می‌مانند.

در ایستگاه قطار، سکو در کنار ریل است.

Anna waited on the platform.

آنا روی سکو منتظر ماند.

The train leaves from platform two.

قطار از سکوی دو حرکت می‌کند.

2

miss a train

قطار را از دست دادن

DEF

Arrive too late to catch a train.

Miss here means fail to catch transport, not feel sad about someone.

FA

دیر رسیدن و نتوانستن سوار قطار شد.

در اینجا miss یعنی از دست دادن وسیله نقلیه، نه دلتنگ کسی بودن.

Anna missed the last train.

آنا آخرین قطار را از دست داد.

We missed the train by two minutes.

ما با دو دقیقه تأخیر قطار را از دست دادیم.

3
belong to

متعلق بودن به

DEF
Be owned by someone or be part of something.
The owner follows to: the gloves belong to her father.

FA

در مالکیت کسی یا بخشی از چیزی بودن.

در انگلیسی صاحب پس از to می‌آید.

These gloves belong to my father.

این دستکش‌ها متعلق به پدرم هستند.

Does this bag belong to you?

آیا این کیف مال توست؟

4
take a deep breath

نفس عمیق کشیدن

DEF
Breathe in slowly and fully.
This common expression can suggest pausing to calm down.

FA

آرام و عمیق هوا را به درون کشیدن.

این عبارت می‌تواند مکثی برای آرام شدن را برساند.

Anna took a deep breath.

آنا نفس عمیقی کشید.

Take a deep breath before you speak.

پیش از حرف زدن نفس عمیق بکش.

5
timetable

جدول زمان‌بندی

DEF
A published list of the times when transport services run.
A timetable shows planned departures and arrivals.

FA

فهرست منتشرشده زمان حرکت خدمات حمل‌ونقل.

زمان‌های برنامه‌ریزی‌شده حرکت و رسیدن را نشان می‌دهد.

The worker checked the timetable.

کارمند جدول زمان‌بندی را بررسی کرد.

The timetable shows the last bus.

جدول زمان آخرین اتوبوس را نشان می‌دهد.

6
climb aboard

سوار شدن

DEF
Get onto a vehicle or vessel.
Aboard suggests entering or getting onto the vehicle.

FA

وارد وسیله نقلیه یا شناور شدن.

Aboard بر وارد وسیله شدن تأکید دارد.

Anna climbed aboard the bus.

آنا سوار اتوبوس شد.

The passengers climbed aboard the boat.

مسافران سوار قایق شدند.

7
wave goodbye

برای خداحافظی دست تکان دادن

DEF
Move a hand to say goodbye.
Wave describes the hand movement rather than spoken words.

FA

حرکت دادن دست برای گفتن خداحافظ.

Wave حرکت دست را توصیف می‌کند.

Her father waved goodbye.

پدرش برای خداحافظی دست تکان داد.

She waved goodbye from the window.

او از پنجره برای خداحافظی دست تکان داد.

8
pull away

راه افتادن

DEF
Start moving away from a place in a vehicle.
A bus or car can pull away after stopping.

FA

با وسیله نقلیه از جایی شروع به دور شدن کردن.

اتوبوس یا خودرو پس از توقف می‌تواند راه بیفتد.

The bus pulled away from the station.

اتوبوس از ایستگاه راه افتاد.

The car pulled away slowly.

خودرو آرام راه افتاد.